

امام حسین (ع) و عاشورا در کلام بزرگان و شعرای اهل سنت

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال ششم)
شماره ۲۲ / زمستان ۱۳۹۹ / ص ۴۳-۵۱

مسعود اکبری زاده^۱، ابراهیم سراوانی^۲، حسن غلامی^۳

^۱استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان

^۲دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد زاهدان

^۳دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد زاهدان

نویسنده مسئول:

ابراهیم سراوانی

چکیده:

امام حسین (ع) که به سرور و سالار شهیدان مشهور است، فرزند حضرت علی (ع) و فاطمه ی زهرا (س) می باشد. او کسی هست که نامش را رسول گرامی اسلام (ص) خود انتخاب نموده و او را بسیار دوست می داشت و به محبت کردن و دوست داشتن او بسیار سفارش می نمود. امام حسین (ع) جزو آل عبا و فردیست که در جریان مباحله در کنار رسول خدا (ص) حضور داشته است. او پس از اینکه اهل کوفه، نامه های فراوانی مبنی بر دعوت ایشان برای حضور در این شهر به او نوشتند، با خانواده و اصحاب و یارانش که عده ی خیلی بودند به سوی این شهر حرکت کرد. اما کوفیان با کشتن مسلم ابن عقیل (نماینده ی امام) عهد شکنی کردند و راه را بر امام حسین (ع) و یارانش بستند و در نبردی نابرابر امام و فرزندان و یارانش را به طرز فجیعی به شهادت رساندند.

این حادثه باعث شد تا نه تنها شیعیان، بلکه بزرگان و علما و شعرای اهل تسنن و دیگر آزادگان جهان نیز نسبت به این تراژدی غمبار واکنش نشان دهند و در کلام منثور و منظومشان مظلومیت امام حسین (ع) و یارانش را به تصویر بکشند.

این مقاله می کوشد تا سخن بزرگان و شعرای اهل تسنن را درباره ی قیام و مظلومیت امام حسین (ع) هر چند نارسا بیان نماید.

واژگان کلیدی: امام حسین (ع)، عاشورا، گفتار، اشعار، اهل تسنن.

مقدمه :

در تاریخ بشر تراژدی های بسیاری اتفاق افتاده است . اما تراژدی غمبار ، تاسفبار و ناجوانمردانه ای که در محرم الحرام سال ۶۱ هجری اتفاق افتاد و فرزندان رسول خدا (ص) ، آن یگانه ی عالم که خداوند در وصف و بیان عظمتش " لولاک لما خلقت الافلاک " می گوید ، به خاک و خون کشیده شدند آن قدر بی رحمانه و ناجوانمردانه بود که نه تنها شیعیان ، بلکه اهل تسنن و دیگر آزادگان جهان نیز در بیان مظلومیت آن حضرت و فرزندان و یاران باوفایش ، سخنها گفته اند و شعرها سروده اند . در این مقاله در حد توان ، ابتدا شخصیت ممتاز و مظلومیت امام حسین (ع) از دیدگاه بزرگان و سپس از دیدگاه برخی از شاعران برجسته ی اهل تسنن بررسی می شود .

امام حسین (ع) نور دیده ی رسول الله (ص)

بر اساس سخن مورخان ، امام حسین (ع) در پنجم شعبان سال چهارم هجری در مدینه ی منوره به دنیا آمده است ، رسول خدا (ص) در این روز بی نهایت خوشحال گردید به دیدارش رفت و کام او را با آب دهان خویش متبرک ساخته و در حق وی دعای خیر کرد و فرمود: پسرم را چه نام نهاده اید؟ حضرت علی(ع) در جواب گفت: او را حرب جنگاور نامیده ام، سپس پیامبر(ص) فرمود: نام او حسین است و در روز هفتم ولادتش ، آن حضرت گوسفندی عقیقه کرد و فرمود: موی سرش را بچینید و هم وزن آن نقره صدقه دهید (ابن حنبل، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۵۸). امام حسن و حسین(ع) در دوران کودکی همواره مورد لطف و عنایت پیامبر(ص) قرار داشتند تا جایی که پیامبر(ص) آن دو را فرزندان خود نامید .

نسب ، فضائل و القاب امام حسین (ع) در منابع تاریخی اهل سنت:

ایشان ابو عبدالله حسین بن علی بن ابیطالب فرزند دوم علی بن ابیطالب (ع) و فاطمه زهرا ، دختر رسول خدا (ص) است. امام حسین (ع) لقب های متعددی دارد، که عبارتند از: سید، وفی، ولی، مبارک، سبط، شهید کربلا (ابن الجوزی، ۱۴۰۱: ۲۱۰). عده ای از بزرگان و منابع اهل سنت هم امام حسین(ع) را لقب سیدالشهداء داده اند.

مادر بزرگش خدیجه ، دختر خویلد اولین زنی است که به خدا و رسولش ایمان آورد . حسین بن علی (ع) بهترین پدر و مادر را دارد ، پدرش علی بن ابیطالب برادر ، وزیر و پسر عموی رسول خدا و اولین مردی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و مادرش فاطمه - دختر رسول خدا (ص) - بزرگ بانوی زنان جهان است .

حذیفه بن یمان می گوید : روزی پیامبر اکرم وارد مسجد شد امام حسین را روی دوش گرفته سپس بر زمین نهاد تا در پیش رویش به بازی بپردازد و فرمود : مردم این حسین، جد و جده اش در بهشت اند دایی و خاله اش در بهشت اند و خودش و برادرش نیز در بهشت اند.

ابن عباس از پیامبر (ص) روایت می کند « الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة من احبهما فقد حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشتند و در جایی دیگر چنین فرمود:

« هذان ریحانتي من الدنيا من احبني فيجهم »

این دو گل های زیبای من در دنیا هستند، هر کس مرا دوست دارد باید آسان را دوست بدارد .

ابوهریزه (از روایان مشهور اهل سنت) می گوید : رسول خدا را دیدم که حسین بن علی را در بغل گرفته و می فرمود: « خدا او را دوست می دارد ، تو هم او را دوست بدار»

احادیثی از رسول خدا (ص) از طریق اهل سنت نقل شده است که بر این محبت و دوستی تأکید دارند. یکی از این روایات که مشتمل بر جملات متعددی است با جمله «من مات علی حب آل محمد مات شهيدا» آغاز می شود و به جمله «ألا ومن مات علی بغض آل محمد مات كافراً» و من مات علی بعضهم لم يشم رائحة الجنة» به پایان می رسد. در کتاب های معتبر اهل سنت آمده که رسول خدا ص فرمود: قسم به آن کسی که جان محمد در دست اوست، هیچ کس با ما اهل بیت دشمنی نمی کند مگر اینکه خدا او را وارد جهنم کند . (ابن حبان بستی، ۱۴۱۱).

از ابی هریره و دیگران نقل شده که روزی حسین داخل مسجد شد و خودش را به بغل رسول خدا (ص) انداخت و انگشتان خود را داخل محاسن رسول خدا (ص) کرد، در این هنگام رسول خدا (ص) دهن خود را بر دهن او گذاشت و فرمود: خدایا! من حسین را دوست دارم و تو هم او را و هر که او را دوست دارد دوست بدار. ابو هریره می گوید: بعد از این هر گاه حسین را می دیدم، اشک از چشمانم جاری می شد.

از رسول خدا ص نقل شده است که فرمود: «من احب الحسن و الحسین فقد احبني و من ابغضهما فقد ابغضني»؛ هر که حسن و حسین را دوست داشته باشد در حقیقت مرا دوست دارد و هر که با آنان دشمنی کند در حقیقت با من دشمنی کرده است (ابن حنبل، ۱۴۱۴).

با تمام این روایات و مطالبی که از طریق اهل سنت در باره اهل بیت و به خصوص امام حسین (ع) مبنی بر مقام و جایگاه او در نزد رسول خدای و محبت و دوستی آن حضرت و وجوب این محبت بر امت اسلامی نقل شده، وقتی به صفحات تاریخ رجوع شود، مشاهده می شود که بیشترین و بدترین ظلم بر اهل بیت رسول خدای روا داشته شده است. از میان این ظلمها ظلمی که از طرف یزید بن معاویه بر فرزند رسول الله (ص) حضرت امام حسین (ع) انجام گرفت، در تاریخ بشریت نظیر آن وجود ندارد. زیرا آنانی که خود را مسلمان می دانستند و از امت رسول خدای به شمار می آمدند، به نام اسلام، فرزند و پسر پیامبر خود شان را همراه با یاران او به بدترین و بیرحمانه ترین وضع کشتند.

و بر طبق حدیث رسول خدای که در صحیح مسلم از زبان عایشه همسر پیامبر (ص) نقل شده است، امام حسین (ع) از مصادیق بارز اهل بیت به شمار می آید، عایشه می گوید: روزی پیامبر اسلام (ص) صبح بین طلوعین جامه ای را که از پشم سیاه بافته شده بود بر خود انداخت، در این هنگام حسن بن علی آمد و رسول خدا او را زیر جامه کنار خود برد، لحظه ای بعد حسین آمد او نیز زیر جامه کنار رسول خدا رفت و پس از آن فاطمه دختر رسول خدا آمد، او هم زیر جامه رفت و سپس علی آمد و با آنان در زیر جامه یک جا شد. در این زمان رسول خدا فرمود: «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت ویطهرکم تطهیرا» احزاب/۳۳.

دیدگاه بزرگان و علمای اهل سنت در ارتباط با علت قیام و حرکت امام حسین (ع)

طبری علت قیام امام حسین (ع) را دعوت مردم کوفه می داند که برای او نامه نوشتند و اعلام حمایت و آمادگی کامل کردند، تا حکومت اسلامی تشکیل دهد (طبری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۳۸) امام حسین (ع) پس از دریافت نامه به طرف کوفه حرکت کرد. اما ذهبی اعتقاد دارد که قیام امام حسین (ع) بیشتر بخاطر امر به معروف و نهی از منکر بوده و قطع نظر از این بوده که امام حسین (ع) را برای بیعت تحت فشار قرار دهند و یا مردم کوفه از او دعوت کنند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۰۰). بخاری معتقد است که امام حسین (ع) کاملا علم به شهادت داشت و به این نتیجه رسیده بود که مطلقا زمان گرفتن حکومت نیست و احتمال هم نمی داد که حکومت اسلامی برای او فراهم آید به همین دلیل تنها راهی که می توانست انجام دهد راه شهادت بود تا از این طریق ستم کاری و ظلم زمان را برملا سازد به طوری که این حکومت تا آنجا ظلم و ستم پیشه کرده که حتی حاضر است فرزند پیامبر (ص) را به شهادت برساند.

علت دشمنی یزید نسبت به امام حسین (ع)

پس از آن که یزید بر مسند خلافت نشست، هیچ غمی جز بیعت حسین بن علی، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر نداشت، زیرا به خوبی می دانست که این افراد در رأس کسانی قرار دارند که در زمان معاویه از بیعت با او سر باز زدند به همین دلیل یزید در اولین اقدام برای حاکم مدینه ولید بن عتبه نامه ای ارسال کرد و از او خواست تا از امام حسین (ع)، عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر که از بیعت با او سر باز زده اند را وادار به بیعت کند (ابن خلدون، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۰۳). ولید پس از دریافت نامه مروان بن حکم را که حاکم قبلی مدینه بود برای مشورت فراخواند و از او نظر خواست، مروان دستور داد تا افرادی را نزد امام حسین، عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر بفرستد و از آنان برای یزید بیعت بگیرد. در غیر این صورت آنها را به قتل برساند.

مصایب وارد آمده بر امام حسین (ع) و اهل بیتش در تراژدی غمبار محرم سال ۶۱ هجری

در روز عاشورا امام حسین (ع) در جنگ با لشکر انبوهی که بر او یورش می آوردند یکه و تنها ماند گاه به افرادی که او را محاصره کرده بودند حمله می کرد و به تنهایی صفوف آنان را درهم می شکست اما کسی جرات حمله به آن حضرت را نداشت زیرا به شهادت رساندن آن بزرگوار بر آنان بسیار دشوار بود و کسی که مرتکب چنین گناهی می شد کیفر سختی از جانب خداوند در انتظارش بود تا آن که شمر بن ذی الجوشن برآشف و فریاد زد: وای به حالتان درباره این مرد چشم به چه داشته اید مادران به عزایتان بنشینند او را بکشید، از بیم نکوهش و کیفر شمر پیش چشمان او بر آن حضرت یورش آوردند و زرعه بن شریک تمیمی ضربه ای بر دست چپ آن بزرگوار وارد ساخت، کسی دیگر ضربه ای بر شانه مبارکش فرود آورد و بدین سان حضرت امام حسین (ع) نقش زمین شد اما آنان همچنان حضرت را آماج نیزه ها و شمشیرهای خود قرار دادند به طوری که روایت شده پس از شهادتش سی و سه ضربه نیزه و سی و چهار ضربه شمشیر بر وجود مبارکش مشاهده شد.

آنگاه سنان بن ابی عمرو اصبحی سر مبارک آن بزرگوار را از تن جدا کرد و به خولی بن یزید داد سپس ده سوارکار بنابر فرمان این زیاد پیکرهای مقدس شهیدان را زیر سم اسبان خویش لگدمال کردند، آنگاه سرها را بردند و پیش چشم اهل بیت پیامبر (ص) آنان را بر

نیزه افراشتند و پیکرهای شهیدان را افتاده بر پشت بر زمین رها کردند و از کنار زنان اندوهگین و مصیبت دیده اردوگاه حضرت حسین(ع) گذشتند در این هنگام زینب فریاد زد: یا محمد! این حسین است که بر خاک خفته است و دخترانت را به اسارت گرفته اند و همه فرزندان را کشته اند و اینک باد صبا بر آنان وزیدن گرفته است (عقاد، ۱۳۸۰: ۱۳۹)

امام حسین (ع) در سخن بزرگان و علمای اهل سنت

خلفای راشدین و سایر صحابه هم برای حضرت امام حسن (ع) و هم برای امام حسین (ع) که از فرزندان و اهل بیت رسول خدا (ص) بودند، بی نهایت احترام قائل بودند و آن دو نفر را دوست می داشتند و همواره آنان را مورد بزرگداشت و احترام قرار می دادند، خلیفه اول در مورد احترام به اهل بیت فرمود: حرمت پیامبر(ص) را در مورد احترام به اهل بیت آن حضرت مراعات کنید (بخاری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۵۷۹).

امام حسین (ع) شخصیتی عاطفی، مهربان، فروتن و بخشنده بود و در راه فراهم آوردن نیازمندی های مردم بسیار کوشا بود و همه تلاش و کوشش خویش را در جهت برطرف کردن ناراحتی ها و اندوه مردم به کار می برد، روایت شده روزی گذرش بر گروهی از بینوایان افتاد که خوراک می خوردند و آن حضرت را به خوردن خوراک دعوت کردند که پیاده شد و با آنان خوراک خورد و فرمود: من دعوت شما را پذیرفتم، شما هم باید دعوت مرا بپذیرید، سپس از آنها برای یک مهمانی در خانه خویش دعوت به عمل آورد . (بخاری، ۱۴۱۲، ج ۷: ۹۸).

ذهبی از مورخان اهل سنت می گوید: امام حسین(ع) در عبادت و نیایش خداوند متعال الگو و نمونه بود و برای رسیدن به این آرمان جان خویش را از دست داد، آن حضرت افزون بر نمازهای پنجگانه بسیار به نمازهای سنت و نافله علاقه داشت و روزها را روزه می گرفت و شب ها را در نیایش خداوند سپری می کرد. مصعب روایت می کند که امام حسین(ع) بیست و پنج بار با پای پیاده حج خانه خدا را انجام داد(ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۷۸).

امام حسین(ع) آن چنان در عبادت و تقوا نمونه بود که در جهاد هم نماز را برپا می کرد، امام حسین (ع) در جریان نبرد به مؤذن دستور داد بانگ اذان گوید تا نماز بخوانند. بعد از برپایی نماز حمد خداوند گفت و فرمود: ای مردم اگر پرهیزگار باشید و حق را برای صاحب حق بشناسید بیشتر مایه رضایت خداوند است (طبری، ۱۳۷۵، ج ۷: ۲۹۹۱).

جابر بن عبدالله هم روایت می کند که رسول خدا (ص) فرمود: هرکس دوست دارد به مردی از اهل بهشت بنگرد به حسین بن علی نگاه کند (ابن حبان، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۴۲۱). در واقع همه این روایات دلالت بر فضائل و مناقب والای حضرت حسین (ع) دارد. دکتر طه حسین از نویسندگان معاصر اهل سنت بر این باور است که:

از آنجا که حسین از یک سو، مسئول حفظ دین و از سوی دیگر، آزاده و قهرمان است، هرگز در قبال بیعت خواهی یزید، سرتسلیم فرود نخواهد آورد . پس برای رسیدن به هدف خود، باید به هرکار مشروعی دست می زد . بنابراین، برای احتراز و دوری از امر بیعت، به کوفه روی آورد و شهادت را بر بیعت با یزید که به نوعی تأیید ستم های او بود، ترجیح داد .»

امام حسین (ع) در کلام شعرای اهل سنت .

خلفای راشدین و سایر صحابه ، هم برای امام حسن (ع) و هم برای امام حسین (ع) که از خاندان رسول خدا(ص) هستند، بی نهایت احترام قائل بودند و آن دو نفر را دوست می داشتند و همواره آنان را مورد بزرگداشت و احترام قرار می دادند، خلیفه اول در مورد احترام به اهل بیت فرمود: حرمت پیامبر(ص) را در مورد احترام به اهل بیت آن حضرت مراعات کنید (بخاری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۵۷۹). عطار نیشابوری (متوفای ۶۱۸ ق) در مصیبت نامه خود درباره امام حسین علیه السلام چنین سروده است :

کیست حق را و پیمبر را ولی	آن حسن سیرت حسین بن علی
آفتاب آسمان معرفت	آن محمد صورت و حیدر صفت
نه فلک را تا ابد مخدوم بود	زانکه او سلطان ده معصوم بود
قره العین امام مجتبی	شاهد زهرا شهید کربلا
تشنه او را دشنه آغشته بخون	نیم کشته گشته سرگشته بخون
آن چنان سرخود که برد بی دریغ	کافتاب از درد آن شد زیر میغ
گیسوی او تا بخون آلوده شد	خون گردون از شفق پالوده شد
کی کنند این کافران با این همه	کو محمد کو علی کو فاطمه

صد هزاران جان پاک انبیا
در تموز کربلا تشنه جگر
با جگر گوشه ی پیمبر این کنند
کفرم آید هر که این را دین شمرد
هر که در روئی چنین آورد تیغ
کاشکی ای من سگ هندوی او
یا در آن تشویر آبی گشتمی
از دیگر شاعرانی که درباره ی امام حسین (ع) به شعر سخن گفته اند شاه نعمت الله ولی می باشد او درباره ی امام حسین (ع) چنین می سراید :

من حسینی مذهبم ای یار من
علم تو باشد همه از قیل و قال
جوهری سنجی نیز در منقبت امام حسین (ع) چنین می سراید :

روزی که شد به دهر چنین ظلم آشکار
در ماتم حبیب خدا، زاده ی بتول
ریزد فلک ز دیده ی انجم، سرشک خون
سعدی علیه الرحمه ، با توجه به اینکه سنی مذهب است، خون شهیدان کربلا را آن چنان مقدس می داند که در یکی از قصاید خود خداوند را به خون شهیدان کربلا سوگند می دهد که «مرحمی بر دلها نهد. و می گوید:

فردا که هر کسی به شفیعی زنند دست
پیغمبر، آفتاب منیرست در جهان
یارب به نسل طاهر اولاد فاطمه
یارب به صدق سینه ی پیران راستگوی
دلهای خسته را به کرم مرهمی فرست
علامه اقبال لاهوری (از اندیشمندان اهل سنت) در وصف امام حسین علی و فلسفه ی قیام عاشورا، تحت عنوان «رمز قرآن را از حسین علی آموختیم» سرودهای بس زیبایی دارد :

رمز قرآن از حسین آموختیم
تازه از تکبیر او ایمان هنوز
ای صبا! ای پیک دور افتادگان!
مدعایش سلطنت بودی اگر
تیغ، بهر عزت دین است و بس
ماسوی الله را مسلمان بنده نیست
خون او تفسیر این اسرار کرد
تیغ لا چون از میان بیرون کشید
نقش الا الله بر صحرا نوشت
آن شنیدستی که هنگام نبرد
آن امام عاشقان، پور بتول
الله الله، بای بسم الله، پدر
چون خلافت رشته از قرآن گسیخت
خون آن سر، جلوه خیر الامم
بر زمین کربلا بارید و رفت
تا قیامت، قطع استبداد کرد
بهر حق در خاک و خون گردیده است

ز آتش او شعله ها افروختیم
ما بر خاک پاک او رسان
خود نکردی با چنین سامان سفر
مقصد او حفظ آیین است و بس
پیش فرعونی سرش افکنده نیست
ملت خوابیده را بیدار کرد
از رگ ارباب باطل خون کشید
سطر عنوان نجات ما نوشت
عشق با عقل هوس پرور چه کرد
سرو آزادی ز بستان رسول
معنی ذبح عظیم، آمد پسر
حریت را زهر اندر کام ریخت
چون سحاب قبله باران در قدم
لاله در ویرانه ها کارید و رفت
موج خون او چمن ایجاد کرد
پس بنای لا اله گردیده است

حکیم سنایی غزنوی شاعر قرن پنجم و ششم جزو نخستین شاعران سنی مذهبی است که رسماً به بیان منزلت امام حسین علی پرداخته است:

حَبِّدَا کربلا و آن تعظیم	کز بهشت آورد به خلق ، نسیم!
وان تنِ سر بُریده در گِل و خاک	وان عزیزان ، به تیغ ، دل ها چاک
وان تن سر به خاک غلتیده	تن بی سر ، بسی بد افتاده
وان گزینِ همه جهان ، کشته	در گِل و خون ، تنش بیاغشته
وان چنان ظالمان بدکردار	کرده بر ظلم خویشتن ، اصرار
حُرمت دین و خاندان رسول	جمله برداشته ز جهل و فضول
تیغ ها لعلگون ز خون حسین	چه بود در جهان ، بَتر زین شَین؟
زخم شمشیر و نیزه و پیکان	بر سر نیزه ، سر به جای سِنان
کرده آل زیاد و شمِ رعین	ابتدای چنین تبه در دین
آل یاسین ، بداده یکسر ، جان	عاجز و خوار و بی کس و عطشان
مصطفی ، جامه جمله بدریده	علی از دیده ، خون بباریده
فاطمه ، روی را خراشیده	خون بباریده ، بی حد از دیده
حسن از زخم کرده سینه کبود	زینب از دیده ها برانده دو رود.

مولانا سیف الدین محمد فرغانی از شاعران ایرانی قرن هفتم و هشتم هجری از دیگر شعرای اهل تسنن درباره ی شهادت امام حسین (ع) این گونه می سراید:

ای قوم درین عزا بگریید	بر کشته کربلا بگریید
با این دل مرده خنده تا چند	امروز درین عزا بگریید
فرزند رسول را بکشتند	از بهر خدای را بگریید
از خون جگر سرشک سازید	بهر دل مصطفی بگریید
وز معدن پر زاشک چون در	بر گوهر مرتضی بگریید
با نعمت عافیت بصد چشم	بر اهل چنین بلا بگریید
دل خسته ماتم حسینید	ای خسته دلان هلا بگریید
در ماتم او خمش مباحشید	یا نعره زنید یا بگریید
تا روح که متصل بجسم است	از تن نشود جدا بگریید
در گریه سخن نکو نیاید	من می گویم شما بگریید
بر دنیی کم بقا بخندید	بر عالم پر عنا بگریید
بسیار درو نمی توان بود	بر اندکی بقا بگریید
بر جور و جفای آن جماعت	یکدم ز سر صفا بگریید
اشک از پی چیست تا بریزید	چشم از پی چیست تا بگریید
در گریه بصد زبان بنالید	در پرده بصد نوا بگریید
تا شسته شود کدورت از دل	یکدم ز سر صفا بگریید
نسیان گنه صواب نبود	کردید بسی خطا بگریید
وز بهر نزول غیث رحمت	چون ابرگه دعا بگریید

و اما در مشهورترین غزل مولانا در باب عظمت و علو مقام حسین و شهیدان کربلا، در کلیات شمس چنین آمده است.

کجایید ای شهیدان خدایی	بلا جویان دشت کربلایی
کجایید ای سبک روحان عاشق	پرنده تر ز مرغان هوایی
کجایید ای شهبان آسمانی	بدانسته فلک را در گشایی
کجایید ای ز جان و جا رهیده	کسی مر عقل را گوید کجایی
کجایید ای در زندان شکسته	بداده و امداران را رهایی
کجایید ای در مخزن گشاده	کجایید ای نوای بی نوایی

در آن بحرید کین عالم کف اوست	زمانی بیش دارید آشنایی
کف دریاست صورتهای عالم	ز کف بگذر اگر اهل صفایی
دلم کف کرد کین نقش سخن شد	بهل نقش و به دل رو گرزمایی
بر آ ای شمس تبریزی ز مشرق	که اصل اصل هر ضیایی

نتیجه گیری

حسین بن علی بن ابیطالب فرزند دوم علی بن ابیطالب (ع) و فاطمه زهرا، دختر رسول خدا (ص) است. بر اساس سخن مورخان، امام حسین (ع) در پنجم شعبان سال چهارم هجری در مدینه ی منوره به دنیا آمده است، مادر بزرگش خدیجه، دختر خویلد اولین زنی است که به خدا و رسولش ایمان آورد. حسین بن علی (ع) بهترین پدر و مادر را دارد، پدرش علی بن ابیطالب برادر، وزیر و پسر عموی رسول خدا و اولین مردی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و مادرش فاطمه - دختر رسول خدا (ص) - بزرگ بانوی زنان جهان است.

با تمام این روایات و مطالبی که از طریق اهل سنت در باره اهل بیت و به خصوص امام حسین (ع) مبنی بر مقام و جایگاه او در نزد رسول خدای و محبت و دوستی آن حضرت و وجوب این محبت بر امت اسلامی نقل شده، وقتی به صفحات تاریخ رجوع شود، مشاهده می شود که بیشترین و بدترین ظلم بر اهل بیت رسول خدای روا داشته شده است. از میان این ظلمها ظلمی که از طرف یزید بن معاویه بر فرزند رسول الله (ص) حضرت امام حسین (ع) انجام گرفت، در تاریخ بشریت نظیر آن وجود ندارد. زیرا آنانی که خود را مسلمان می دانستند و از امت رسول خدای به شمار می آمدند، به نام اسلام، فرزند و پسر پیامبر خود شان را همراه با یاران او به بدترین و بیرحمانه ترین وضع کشتند.

خلفای راشدین و سایر صحابه هم برای حضرت امام حسن (ع) و هم برای امام حسین (ع) که از فرزندان و اهل بیت رسول خدا (ص) بودند، بی نهایت احترام قائل بودند و آن دو نفر را دوست می داشتند و همواره آنان را مورد بزرگداشت و احترام قرار می دادند. علما و شعرای اهل تسنن نیز همچون اهل تشیع به منقبت امام حسین (ع) و بیان مظلومیت آن حضرت و اصحاب و یاران باوفای آن حضرت در حادثه ی غمبار عاشورا پرداخته اند که در متن مقاله به آن پرداخته شده است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- ابن الجوزی، سبط، (۱۴۰۱)، تذکره الخواص، موسسه اهل بیت
- ابن حنبل، احمد، (۱۴۱۴)، مسند احمد بن حنبل، موسسه التاريخ العربی
- ابن حبان، (۱۴۱۴)، صحیح ابن حبان، انتشارات موسسه الرساله
- ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۷۹)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی فرهنگی
- ابن خلدون، عبد الرحمن. مقدمه ابن خلدون. دوجلد. ترجمه محمد پروین گنابادی. چاپ هفتم: تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- امام حسین و عاشورا از دیدگاه اهل سنت، گردآورنده محمد رضا جباران / مرکز پژوهش های صدا و سیما
- پایگاه اطلاع رسانی حوزه
- بخاری، (۱۴۱۲)، الجامع الصحیح، دارالکتب العلمیه .
- عقاد، عباس محمود، (۱۳۸۰)، واقعه کربلا، ترجمه مسعود انصاری، نشر پردیس .
- محمد ابن جریر طبری، الرسل و الملوك، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر چاپ ۵، ۱۳۷۵
- و دیوان های اشعار عطار نیشابوری - شاه نعمت الله ولی - سعدی شیرازی - اقبال لاهوری - سنایی غزنوی - سیف فرغانی و مولانا جلال الدین محمد بلخی (مولوی)